روزنامه شرق

دوشنبه ● ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲ ● ۲ رجب ۱۴۳۴ ● ۱۳ می ۲۰۱۳ ● سال دهم ● شماره ۱۷۳۱ ● ۱۶صفحه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶

تلفن: ۳۷-۸۸۹۸۶۸۲۹ نمابر: ۸۸۹۸۶۸۴۸ تلفن آگهی‌ها: ۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰

امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰

چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۲۱ اذان صبح فردا ۴:۲۲ طلوع آفتاب ۶:۰۰

هما روستا با «ساموئل بکت» بار دیگر به صحنه می‌آید

شرق: نمایش «آخر بازی» و «در انتظار گودو» به نویسندگی ساموئل بکت به صورت همزمان با کارگردانی همایون غنی‌زاده مهرماه در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه می‌رود و هما روستا در نمایش «آخر بازی» به ایفای نقش می‌پردازد. تاکنون حضور هما روستا و جواد نمکی در نمایش «آخر بازی» قطعی شده است. «هما روستا» این روزها پس از ۱۴ سال با «باغ آلبالو»ی محمدحسن معجونی به صحنه بازگشته است و مهرماه نیز با «آخر بازی» دوباره روی صحنه خواهد آمد.

درام‌های تلفنی

حالتون چطوره

سوسن مقصودلو

● گفتم: سلام... حالتون چطوره؟

- ازقضا امروز داشتم به شما فکر می‌کردم. یکسر ظهر رفتم خوشبین؛ جاتون خالی باقلا قاتق خوردم. بعد رفتم کافه فرانسه. یه شیرینی با قهوه خوردم. پوستر نمایشتون را آنجا دیدم؛ یاد شما افتادم. دوست داشتم بیام نمایش را ببینم ولی می‌دونید که سال‌هاست تئاتر نمی‌بینم. زیاد حال وحوصله ندارم. تنها تفریحم همین گاه گداری سرزدن به خوشبین و خوردن یه غذای شمالیه. آخه در روز یک وعده بیشتر غذا نمی‌خورم. توی خونه هم بند نمیشم. حوصله‌ام سرمیره. گاهی از سر آذربایجان تا پیچ شمرون را پیاده میرم و برمی‌گردم. امروز تا خوشبین رفتم و برگشتم که شما زنگ زدین؛ البته وسط راه گفتم که؛ کافه فرانسه هم رفتم. دنبال رمان «کافکا درکرانه» می‌گردم. دلم می‌خواد از «موراکا می» بخونم. تعریفشو خیلی شنیدم؛ تا حالا از ادبیات ژاپن فقط «هایکو» می‌خواندم. چقدر قشنگ میگه: «هیچ‌کدام چیزی نگفتند. نه میهمان. نه میزبان و نه گل‌های داوودی» یا در جای دیگه شاعر میگه «چیزی که پنهان از چشم‌ها می‌پژمرد، شکوفه دل آدمی است در این جهان.» بالاخره این چندروز هم میگذره. تا سه ماه دیگه بازنشست میشم و خلاص. چقدر فکرهای بزرگ دارم که باید عملی کنم. شما مراسم اسکارو دیدین. آدم حظ می‌کنه وقتی می‌بینه «اسپیلبرگ» برای «آنگ لی» بلندمیشه. اونا کجان ما کجاییم. مال عصر کرومانیونیم. سه‌هزارسال نوری باهاشون فاصله داریم. می‌دونید که رسمه جلوی پای کسانی که اسکار افتخاری می‌گیرن بلند میشن. اما اسپیلبرگ؛ مردی با آن عظمت که این همه فیلم‌های بزرگ ساخته جلوی پای آنگ لی بلند شد. ما یه اسکار گرفتیم چقدرحرف وحدیث. من که پامو توی اینجورجاها نمی‌زارم. نه تئاتر نه سینما. نه تلویزیون. جشنواره‌هارم که اصلا، توی همین چهل متری خودم می‌پلکم. بذار بازنشست بشم. احساس می‌کنم مثل اون وکیله توی «سقوط» کامو هستم. مرد وکیل مدافع با یک‌نفر صحبت می‌کنه. شاهکاره. برای اولین بار کامو دوم شخص را وارد قصه می‌کنه. آخر سر میگه دوست عزیز هوا سرده بهتره بریم. اون شخص روبه‌رو بهش میگه. وکیل مدافع میگه‌ای دختر جوان. منظورش به همون دختریه که یک شب مرد شاهد بود که خودشو توی آب انداخته و از اون شب زندگی مرد عوض شده. میگه ای دختر جوان بازهم خودت را به آب بیفکن تا من یکبار دیگر هردویمان را نجات دهم. چرا اینارو می‌گم... راستی شما چه سوالی از من پرسیدین؟

- پرسیدم؛ حالتون چطوره؟

- آهان؛ حالم...

این ستون دوشنبه‌ها منتشر می‌شود

گزارش میدانی

سفارش کله‌پاچه از طریق اینترنت میسر شد

«کلپچ» بزن

سعید برآبادی

اگر همین الان هوس کله‌پاچه کنید و در نزدیکی محل کار و زندگی‌تان کله‌پاچه‌ای نباشد چه می‌کنید؟ اگر نیمه‌شب دلتان کله‌پاچه بخواهد چه می‌کنید؟ قبول دارم که وقتی آدمی محتاج کله‌پاچه می‌شود هیچ مُسکنی نمی‌تواند دردش را درمان کند الا همان کله‌پاچه! پس بگذارید راهی را به شما پیشنهاد دهم که در هر زمان و هر مکانی (البته در حومه تهران) که هستید فقط با یک خط اینترنت بتوانید به قول امروزی‌ها در اسرع وقت کلپچ را بزنید و روشن شوید!

همان‌طور که گفتم همه چیز از خط اینترنت آغاز می‌شود، پس بروید در مرورگر کامپیوترتان و با همان اینترنت کُند، سرچ کنید و ببینید که آیا می‌شود اینترنتی سفارش کله‌پاچه داد! درست خواندید، کلپچ اینترنتی! در میان صفحات متفرقه گوگل سایتی که روبه‌روی شما باز می‌شود، یک سایت سفارش اینترنتی کله‌پاچه در تهران است؛ جایی که می‌شود برای فردا صبح سفارش یک کله‌پاچه داغ را ثبت کرد و منتظر ماند تا سر ساعت پیک‌موتوری با بوی مطبوع یک غذای ایرانی، پیش شما بیاید و بگویید جل‌الخالق! اینترنتی‌شدن سفارش کله‌پاچه، یک «انقلاب» یا یک «تغییر مسیر جدی» در تاریخ کله‌پاچه‌خوری نیست و اتفاقا به‌دلیل پایبندی به سنت‌های این غذای صددرصد ایرانی هم هست که کله‌پاچه اینترنتی در دو ماهی که از آغاز به کارش گذشته، مشتری‌های پروپا قرصی پیدا کرده و حالا کار به جایی رسیده که مدیران این سایت به دنبال اضافه کردن آش شله قلمکار و حلیم به فهرست سفارش‌های اینترنتی‌شان هستند

روش کار، ساده و در نوع خود بدیع است، اینجا نه خبری از آشپزخانه هست و نه خبری از آدم‌هایی که روپوش‌های سفید پوشیده‌اند و در حال هنرنمایی با برش‌های گوشت و بناگوش هستند. کار این سایت دریافت سفارش‌ها از تمام نقاط تهران است. این سفارش‌ها دسته‌بندی می‌شوند و کله‌پاچه‌شان از نزدیک‌ترین کله‌پاچه‌ای معروف شهر خریداری می‌شود، بسته‌بندی شده و به آدرس مشتری پیک می‌شود.

برای سفارش، سیستم ساده‌ای تعریف شده چون احتمالا حاجی بازاری‌ها قرار است مشتری‌های آن باشند و هر چه کار ساده‌تر باشد، مشتری بیشتر خواهد بود. وارد سایت که شدید، در سمت راست صفحه، می‌شود گزینه «سفارش آنلاین» را فشار داد و بعد یک فرم ساده را که از آدرس و شماره تلفن تشکیل شده، پر کرد و منتظر سفارشی ماند که فردا به دستتان خواهد رسید.

جعبه‌ای را که سفارش خوشمزه شما داخلش است، یک پیک‌موتوری می‌آورد. شیوه کار سایت به این شکل است که بر اساس آدرس شما، از بهترین کله‌پاچه‌ای نزدیک به محلی که آدرسش را داده‌اید، سفارش شما تهیه شده، در بسته‌بندی عجیب و غریبی گنجانده می‌شود و سر ساعت به دستتان می‌رسد. اگر قیمت‌های سایت کمی گران‌تر از مغازه‌های کله‌پاچه‌ای است دقیقا به‌دلیل هزینه پیک و همین بسته‌بندی باحال است. باحال از این نظر که همه چیز داخل این جعبه پیدا می‌شود، از آبلیمو و سروس یک نفره‌خوردن غذا و حتی یک لیوان و یک چای تی‌بگ برای آنهایی که دیوانه چای بعد کله‌پاچه هستند!

جالب‌ترین بخش کار اسم‌گذاری پک‌های غذاست؛ اگر مغز و زبان را با هم سفارش دهید، اسم پک شما، «سخن‌وری» خواهد بود. اگر بناگوش و مغز سفارش دهید، پک «حکمت» را خریده‌اید و اگر مغز در سفارشتان نباشد، پکیج «کم‌چرب» نصیب‌تان خواهد شد. قیمت‌ها هم از ۱۷هزارتومان شروع می‌شود تا ۲۳هزارتومان! این قیمت شاید برای آنهایی که در مرکز شهر هستند گران به نظر برسد، اما قطعا برای کسی که در تهرانسر می‌خواهد کله‌پاچه «شاخ طلایی» را بخورد، گران نیست!

شاید دو ماه فرصت کمی برای قضاوت درباره تعداد مشتری‌های این سایت باشد اما مدیرش که انگار راضی است و تازه امیدوار است به زودی، شعبه‌های دیگری هم در تمام شهرهای ایران باز کند تا هر کس، هر جای ایران، یکهو دلش هوس کله‌پاچه کرد، چشم بچه‌اش سبز نشود! البته با این اینترنت کند، شاید به قول مسافر کوچولو، آرام‌آرام قدم‌زدن تا یک کله‌پاچه‌ای حس و حال بیشتری داشته باشد و در مسیر هم که قطعا ترشحات معده، آماده‌ترمان می‌کند!

علی درخشی

aderakhshi@yahoo.com

کارتون خواب

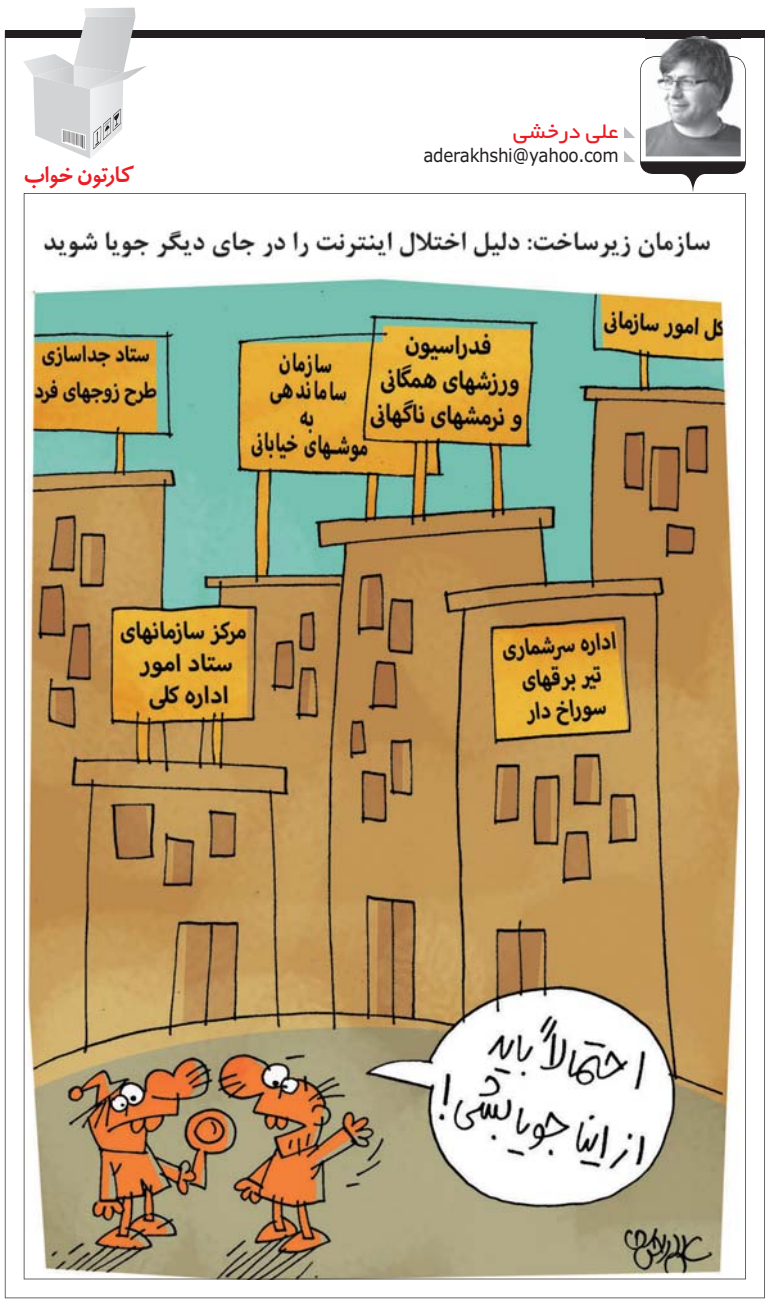

بیهقی

سیدحسینی؛ مترجمی جاودان

داریوش معمار

● «آیا کسی به سلامت نفس... (او) پیدا می‌شد؟ آیا کسی قصه‌شناس‌تر از او پیدا می‌شد؟ آیا کسی شعرشناس‌تر از او پیدا می‌شد؟ آیا مطمئن‌تر از او کسی بود که تو همه‌چیزت را به او بگویی، او اما از گفته تو کسی را هیچ نگفته باشد؟» این جملات را رضا براهنی در تمجید از کسی می‌نویسد که اکثر آشنایانش همین نظر را در مورد اخلاق و رفتار فرهنگی و شخصیتش دارند.

رضا سیدحسینی متولد اردبیل، مولف کتاب معروف مکتب‌های ادبی و مترجم آثار بسیاری از نویسندگان سرشناس جهان، انسانی صمیمی بود که چند نسل از مخاطبان حرفه‌ای ادبیات جهان، بهترین خاطرات خود از مطالعه را با آثار برگردانده شده به زبان فارسی توسط او، تجربه کرده‌اند. او کار ترجمه را از زبان ترکی در سن ۱۶سالگی آغاز کرده است.

سیدحسینی متولد سال ۱۳۰۵ است، او فارغ‌التحصیل مدرسه پست و تلگراف تهران بوده و تحصیلاتش را در فرانسه تکمیل کرده، مدتی نیز به تحصیل فیلمسازی در آمریکا مشغول بوده است. این مترجم سرشناس، زبان فرانسه را در دوره‌ای که زبان اول روشنفکران در کشور ما بود، نزد توکل، خانلری و پژمان بختیاری کامل کرد و به صورت جدی وارد این کار شد. نکته دیگر درخصوص سیدحسینی، دریافت نشان شوالیه از پالم آکادمی فرانسه است که او را در کنار دیگر شوالیه‌های فرهنگی ایران صاحب اعتباری جهانی کرده است.

سه سال پیش از آنکه زمان برای رضا سیدحسینی متوقف شود، در مورد زندگی فرهنگی و علاقه به معلمی در مراسم جشن ۸۰سالگی‌اش که توسط مجله بخارا برگزار شد، گفت: عشق به معلمی در من وجود داشت و ترجمه «مکتب‌های ادبی»، آن را در من تقویت کرد. زیباترین سال‌های عمرم، پنج، شش سالی بود که در فرهنگسرای نیاوران درس می‌دادم. فلسفه، ادبیات و مبانی نقد.

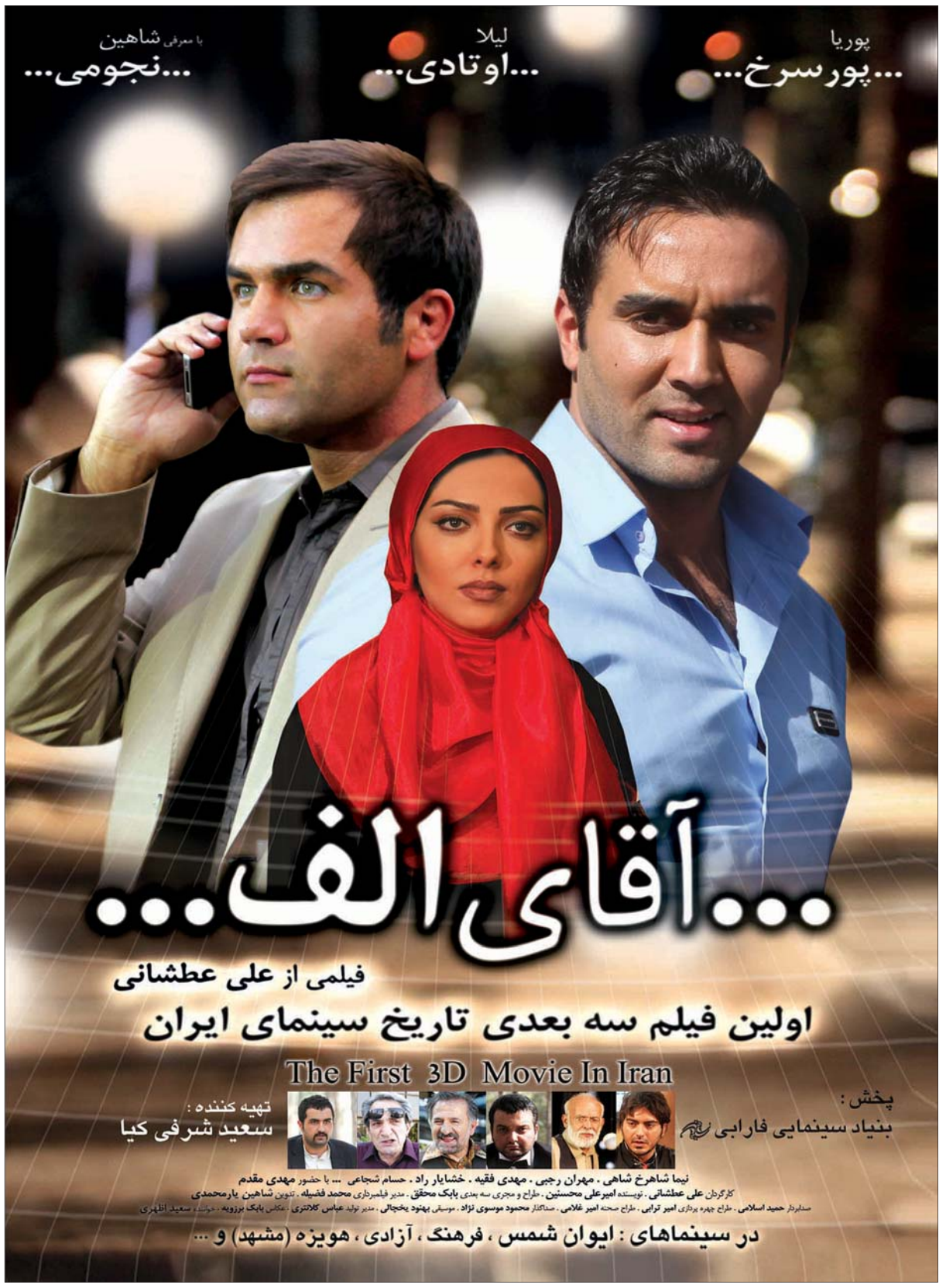

تولدی دیگر

دیوانه‌ای که فخر عارفان را متنبه کرد

فریدون صمدی‌زاده

حکیم سنایی از پیشگامان شعر ولایی به روایتی متولد ۲۸ جمادی‌الثانی ۴۷۳ هجری قمری است. با آنکه حتی به روز تولدش همچون امروز در برخی از نسخ اشاره شده اما در تاریخ وفاتش تفاوت آرایی که وجود دارد حدود ۵۰ سال است و این از عجایب کار حکیم غزنه است. فصیحی خوافی در تاریخ مجمل خود، وفات سنایی را ۴۹۹ هـ. ق نوشته است و مولف تذکره حسینی به روایت جامی در نفحات‌الانس سال درگذشتش را ۵۲۰ هجری ثبت کرده است. در مجالس المومنین قاضی نورالله شوشتری، وفات سنایی ۵۲۵ قید شده و مجالس‌العشاق سال ۵۲۹ را سال خرقه تهی‌کردن وی دانسته است.

علامه محمد قزوینی در حواشی چهار مقاله نظامی عروضی به طور قطع و یقین می‌نویسد: وفات سنایی بعد از درگذشت امیر معزی (شاعر نامدار) بوده که در سال ۵۴۲ اتفاق افتاده است و بالاخره به سال ۵۴۵ رضایت می‌دهد. به این ترتیب حکیم غزنه به روایت خوافی ۲۶ سال و به روایت علامه قزوینی ۷۱ سال در جهان خاکی به سر برده است که با توجه به شرح زندگی طولانی وی روایت قزوینی به عقل نزدیک‌تر است.

خوشبختانه در مورد محل دفن وی در زادگاهش که شهر غزنین است شک و تردیدی وجود ندارد و بقعه باشکوهی نیز بالای آرامگاهش بنا کرده‌اند که زیارتگاه سالکان است. به جهت اهمیت سنایی که او را فخر عارفان می‌خوانند، بزرگان صوفیه و شاعران ولایی مدایح بسیار سروده‌اند تا آنجا که خاقانی شروانی افتخار می‌کند که پدرش او را به محض تولد چون بدل و جانشین سنایی می‌دانسته بدیل نام نهاده است که این ادعا بی‌شباهت به لطیفه‌ای که در مورد نوشتن تاریخ تولد یکی از مقامات ایرانی بر گوشه قران به دست پدرش نیست که مثلا در شب تولدش نوشته است (نور چشمی جناب سرهنگ ... در تاریخ ... در فلان جا به دنیا آمده است!) به هر حال خاقانی بزرگ می‌گوید: بدل من آمدم اندر جهان سنایی را / بدین دلیل پدر نام من بدیل نهاد!

بزرگ‌ترین شاعر صوفیه جلال‌الدین محمد مولوی نیز می‌فرماید: عطار روح بود و سنایی دو چشم او / ما از پی سنایی و عطار آمدیم

با آنکه سنایی در سال‌های جوانی در دستگاه شاهان غزنوی ارج و مقام و بروبیایی داشت اما بعد از فاصله گرفتن از دربار از لحاظ مالی به‌شدت دچار فقر و فاقه می‌شود تا آنجا که می‌گویند «مقام فقیری و منزل عرفانی او چنان رفیع شد که بزرگان صوفیه پیشوایی او را تصدیق کردند، و او را ستوده‌اند [1]» اما داستان آشفتگی و تغییر حال سنایی را منسوب به آن می‌کنند که وقتی سلطان ابواسحاق ابراهیم غزنوی اراده غزوه هند داشت، و به شیوه جد بزرگوار محمود خان هنوز گنجینه‌هایی را ناگشوده می‌پنداشت سنایی او را مدح گفته و قصد داشت روز بعد قصیده‌اش را در حضور سلطان بخواند، هنگام سحر که قصد حمام کرده بود در پشت گلخن حمام صدای مجذوب مشهور به دیوانه لای‌خوار را شنید که به تون تاب حمام یا به قولی گلخنی می‌گفت: سبوی می‌ای که در برابر نهاده و می‌نوشم به کوری چشم سنایی است که نمی‌داند خدا او را برای چه آفریده و اگر در سرای آخرت از او سوال کنند که با خود چه آورده‌ای که شایسته درگاه فرد یگانه باشد، یحتمل قصیده و مدح پادشاهان را عرضه خواهد داشت.

«این سخن تنبیهی بود که در سنایی موثر افتاد و به خانه بازگشت و عزلت اختیار کرد و شیوه سلوک پیش گرفت و به مرتبه‌ای بلند رسید.[2]»

پی‌نوشت:

۱ و ۲ از مقدمه دیوان حکیم سنایی ص ۷۰ و ۷۱.

مخبرالدوله

زندگی سخت بانوی مقام‌دان «بم»

● **ایسنا:** ۱۰سال از زلزله بم می‌گذرد اما تنها بانوی مقام‌دان بم زیر یک چادر پاره زندگی می‌کند و سقف خانه‌اش آسمان است. پروین غلامشاهی، از مقام‌دان‌های قدیمی شهرستان بم است که خوب لالایی می‌خواند و از معدود هنرمندانی است که غریبی‌خوانی می‌کند. او پس از مشکلات همسرش از بم خارج شد و به روستای فهرج رفت. غلامشاهی در حال حاضر در یک زمین ۶۰ متری زندگی می‌کند که از ابتدایی‌ترین امکانات هم محروم است. یکی از هنرمندان موسیقی کرمان درباره آخرین وضعیت پروین غلامشاهی گفت: «متاسفانه باید بگویم که مقام‌دان موسیقی کرمان در یک زمین بی‌آب و علف زندگی می‌کند و یک تکه چادر پاره پیدا کرده و زیر آن روزگار می‌گذراند و دولت هم به خاطر اینکه شوهر دارد، به او کمک نمی‌کند؛ این در حالی است که همسرش دچار بیماری روانی است.»

فراخوان جایزه ادبی «شعر آوانگارد»

● **شرق:** سایت ادبی «آوانگاردها» به دنبال شعری همگام با جهان معاصر و درک حضور دیگری، فراخوان شعر خود را منتشر می‌کند: این فراخوان تمام گونه‌ها و تجربه‌های شعر آزاد را که گوشه چشمی به فهم امواج هنری - ادبی و تحولات جهان پیرامون دارند، با آغوش باز می‌پذیرد. از آنجا که انگیزه از این فراخوان، انتخاب شعرهای برگزیده، از دیدگاه نه‌تنها شاعران، بلکه استادان دیگر هنرهاست، در داوری نهایی علاوه بر شاعران مطرح، بزرگان و استادان دیگر هنرها نیز حضور خواهند داشت. از جمله داوران این جایزه ادبی می‌توان به یدالله رویایی، حسین علیزاده، قباد شیوا، خسرو حکیم‌رابط، منصور خورشیدی، بهزاد خواجات و پیروز کلانتری اشاره کرد. شرایط ارسال آثار به این جشنواره عبارتست از قالب شعر آزاد، حداکثر سه شعر و... مهلت ارسال آثار تا ۲۰خرداد امسال است و علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را به Avangard92@yahoo.com ارسال کنند.